

چشم انداز جغرافیایی*

(مفاهیم، تعاریف و تقسیمات)

دکتر نصرالله مولائی هاشجین^۱

چکیده :

فضای خاص حاصل از کنش متقابل نیروهای گوناگون و متنوع طبیعی و انسانی در یک بافت مکانی معین چشم انداز جغرافیایی نامیده می‌شود. مشاهده چشم اندازها می‌تواند نگرش جغرافیایی را در راستای شناخت روابط بنیادین انسان و محیط و تحلیل چگونگی بافت فرهنگی بر ساختار طبیعی ارائه دهد. اما استفاده از چنین دیدگاهی در تبیین و تحلیل فضاهای جغرافیایی و در راستای بهینه سازی فضاها و توسعه پایدار جوامع، نیازمند شناخت مفاهیم، پیشینه تاریخی و بیان نگرش ها و تعاریف می‌باشد. لذا در این مقاله با بهره گیری از منابع و اطلاعات، مفاهیم و تعاریف چشم انداز جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته و ضمن اشاره به پیشینه تاریخی و تقسیمات جغرافیایی به نتیجه گیری از مباحث نظری پرداخته شده است.

*- در مقاله دیگری با عنوان "چشم انداز جغرافیایی و توسعه" به جنبه‌های کاربردی آن پرداخته می‌شود.

^۱-دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت E-Mail: nmolaeih@ Iau Rasht.ac.ir

واژگان کلیدی: چشم انداز، جغرافیا، چشم انداز فرهنگی، چشم انداز طبیعی، چشم انداز جغرافیایی.

۱. مقدمه

جغرافیا با انسان آغاز می‌شود و بدون فعالیتها و رفتارهای انسانی در سطح زمین علم جغرافیا نیز وجود نخواهد داشت. درهم تنیدگی پدیده های طبیعی و انسان ساخت که در سطح زمین پدیدار می شوند هسته و علت وجودی علم جغرافیا را سبب می گردند. بدینسان که در مکان و فضا، پدیده‌های طبیعی و انسانی که با زمان تغییر می‌یابند به نمودهای جغرافیایی امکان می‌دهند، از این رو در سطح زمین به مکانهای مختلفی برخورد می‌کنیم که در هم تنیدگی پدیده‌های طبیعی و انسانی ویژه مکان را به نمایش می‌گذارد (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۵).

به همین دلیل است که مفهوم علم جغرافیا بر اساس تعریف رابطه انسان و محیط بنا نهاده شده و مکاتب، زیر بخشها و زیر مجموعه‌های فکری، فلسفی جغرافیا بر پایه این زیر بنا شکل گرفته‌اند. لذا مشاهده همه چشم اندازها نیز می‌تواند نگرشی جغرافیایی را در راستای شناخت روابط بنیادین انسان و محیط و تحلیل چگونگی بافت فرهنگی بر ساختار طبیعی را ارائه دهد.

شناخت چشم اندازهای جغرافیایی متنوع و متفاوت در سطح کره زمین و بررسی عوامل تأثیرگذار بر هر کدام از چشم اندازهای جغرافیایی تحت تأثیر روابط متقابل انسان و محیط و تلاش در جهت ایجاد چشم انداز جغرافیایی که از طریق ایجاد رابطه متقابل مطلوب بین انسان و محیط امکان پذیراست و در آن توسعه پایدار بدون تخریب و یا با حداقل تخریب محیط صورت می‌گیرد ضرورتی انکار ناپذیر است. جغرافیدانان در توسعه مناطق در

نواحی جغرافیایی مختلف می بایست در جهت ایجاد چشم اندازهای جغرافیایی مطلوب به عنوان رسالت اصلی خود تلاش نمایند.

۲. ضرورتها و اهداف

هر مکان دارای صفات مشخصه محیطی، انسانی و فرهنگی است که آن را از سایر مکانها متمایز می سازد به آن محل توان و فضای خاصی بخشیده و آن را از فضای مجاورش جدا می سازد (بهروز، ۱۳۷۴، ۱۳). مشاهده هر مکان، مشاهده چشم انداز هایی با بافتی در هم تنیده از ویژگیهای انسانی و طبیعی است که می تواند پاسخگو و تحلیلگر روابط انسان و محیط باشد. لذا در رابطه با تبیین و تحلیل این ویژگیها و روابط این سوالات مطرح می گردند که اصلاً واژه چشم انداز چه مفهومی دارد؟ روند شکل گیری این مفهوم در جغرافیا چه زمانی و از کجا آغاز گردیده و چه مصادیقی دارد؟ تعاریف چشم انداز چه عوامل و عناصری را مدنظر قرار داده و با توجه به دیدگاههای مختلف در طی زمان، چه روندی داشته است؟ در رابطه با تحلیل اجزاء متفاوت چشم انداز چه نگرشهایی مورد استفاده قرار گرفته و انواع نگرش ها تا چه حدودی در جهت تبیین کامل چشم انداز می باشند؟ چگونه می توان در هم تنیدگی عناصر انسانی و طبیعی را در یک چشم انداز جغرافیایی تشخیص داد، آن را معنی نمود و در جهت بهینه سازی فضا بکار گرفت؟ پرداختن به این مفهوم چه ضرورتهایی دارد و ارتباط آن با سایر گرایشهای علم جغرافیا و نیز سایر علوم در چه مواردی نهفته است؟ برای پاسخگویی به این مباحث توجه به ریشه شناسی، معنی و مفهوم، پیشینه تاریخی و بررسی مکاتب نشأت گرفته از آن لازم به نظر می رسد.

۳. پیشینه مفهوم و مطالعات چشم انداز

از قرن اول میلادی و از زمان رواج سبکهای نقاشی یونان در نواحی مدیترانه ای مفهوم "چشم انداز"، وارد مباحث هنری گردید. در قرن پانزدهم، "نقاشی چشم انداز"، ابتدا در نواحی متراکم شهری اروپا، در فلاندر و ایتالیای علیا ظاهر شد و در قرن هفدهم به مدارس آلمان و ایتالیا راه یافت. در مدت دو قرن در ادبیات و هنر انگلستان و فرانسه پایگاهی در خور یافت. از قرن نوزدهم به بعد مفهوم چشم انداز در هنر نقاشی پایگاهی ویژه یافت مانند آثار رپین، مونه، ون گوگ، هانری روسو و پل سزان. تاریخ نگاران مفهوم چشم انداز را به بخشی از زمین اطلاق می کنند که در آن جنگلهایی صورت گرفته باشد، مواد غذایی به عمل بیاید، مستعمراتی تشکیل شود و معماران ساختمانهای یادبود بنا کنند (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۷۱-۱۷۰).

بکارگیری مفهوم "چشم انداز" برای اولین بار در سال ۱۶۰۳ از یک کتاب مرجع شروع می شود یعنی عنوان چشم انداز در حدود دو قرن قبل از طرح موضوع به وسیله جغرافیدانان آلمانی مورد استفاده بوده است. اگر چه در میان جغرافیدانان الکساندر فن همبلت^(۱) اولین جغرافیدانی است که مفهوم جغرافیایی "چشم انداز" را به خدمت می گیرد ولی تعریف "جغرافیا به عنوان مطالعه علمی چشم اندازها" ابتدا به وسیله کارل ساور^(۲) جغرافیدان آمریکائی مطرح می شود (شکوئی، ۱۳۶۶، ۳۸). در جغرافیا کلمه چشم انداز ابتدا به وسیله کارل ریتر جغرافیدان آلمانی وارد ادبیات جغرافیایی شد و بعدها این مفهوم را با طیف گسترده ای، جغرافیدانانی نظیر رایشتهوفن و ویدال دولابلاش بکار گرفتند. (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۷۲).

در سال ۱۹۲۵ کارل ساور همراه با انتشار مقاله ای تحت عنوان "مورفولوژی چشم انداز" این مفهوم را وارد تفکرات جغرافیایی امریکا نمود. (Johnston، ۱۹۹۴، ۳۱۶).

۱- Baron Von Humboldt ۲- Carl sauer

وی بنیانگذار مکتب جغرافیای فرهنگی برکلی بوده و در این زمینه از اتواشلوتر آلمانی متأثر بوده است (فنی، ۱۳۸۱، ۱۹۶). چرا که مفهوم مورفولوژی چشم انداز فرهنگی که بعدها به وسیله ژان برون وارد ادبیات جغرافیایی فرانسه و از طریق کارل ساور به دانش جغرافیا در آمریکا راه یافت همه از تفکرات جغرافیایی اشلوتر منشأ می گرفت.

از پیشگامان و محققین مکتب جغرافیا به منزله مورفولوژی چشم انداز از گذشته تا حال می توان به جغرافیدانانی نظیر، فن همبلت، ویدال دولابلاش، کارل ساور، ریچارد هارتشون، رابرت دیکنسون، ماروین ویکسل، دنیس کاسگرو، اتواشلوتر و در سالهای اخیر، جی اپلتون، ادوارد دلف و ال اس برگ نام برد (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۷۶-۱۷۴).

در این زمینه مطالعاتی در گروههای مختلف تحقیقاتی نیز در دنیا انجام می گیرد در اروپا آکادمی چشم اندازهای فرهنگی اروپا (Petrarca) به بیان و توصیف چشم اندازهای فرهنگی در قاره اروپا پرداخته و به تعریف محیط طبیعی، انسانی، زیبا شناسی، قومیت و عملکردهای آن بر انواع چشم اندازهای حاکم بر اروپا می پردازد و خدماتی در این زمینه از نظر علمی و فرهنگی به علاقمندان ارائه بدهد. (Petrarca، ۲۰۰۲، ۳).

چارلز ای. برنباوم در پارک ملی ایالات متحده به پروژه چشم اندازهای فرهنگی به بیان اهداف، برنامه ریزیها، مدیریت چشم اندازهای فرهنگی و ... در ایالات متحده می پردازد (Birnboum، ۱۹۹۹).

اما در ایران مطالعات چشم انداز به صورت مکتبی فکری و یا رشته ای تخصصی و آکادمیک در دانشگاهها مورد بررسی قرار نگرفته و فقط بررسیهای مختصری در حد ترجمه، تعاریف و تبیین مفاهیم، عوامل یا عناصر چشم انداز توسط محققینی همچون تولایی (مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی، ۱۳۷۵)، شکوئی (اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول ۱۳۷۵ و جلد دوم ۱۳۸۳) قرخلو (جغرافیای فرهنگی ۱۳۸۳) و ... دیده می شود.

۴. مفاهیم چشم انداز

واژه چشم انداز در کشورهای مختلف معادلهای متفاوتی دارد ریشه این کلمه از واژه آلمانی Landschaft به مفهوم چشم انداز گرفته شده است. استعمال کلمه چشم انداز به عنوان یک اصطلاح تکنیکی حائز اهمیت اساسی در اندیشه جغرافیایی و نیز در مطالعات کنونی نواحی، ریشه نسبتاً جدیدی در کشورهای امریکا و انگلستان دارد ولی به صورت آلمانی آن طی تاریخ جغرافیای مدرن حائز اهمیت بوده است (فشارکی، ۱۳۶۶، ۱۲). مفهوم این واژه در فرانسه Paysage و در انگلیسی Landscape می باشد (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۷۰).

کلمه آلمانی Landschaft در زبان روزمره به مدت زمان مدیدی دارای دو معنی بوده است یکی "ظاهر یک قطعه زمین همچنان که ما آن را دریافت می کنیم" و دیگری "یک قطعه زمین محدود" که هر دو در اوایل قرن نوزدهم وارد جغرافیای آلمانی شد جغرافیدانانی مانند هومیر^(۱)، همبلت^(۲)، اوپل^(۳)، ویمر^(۴)، بانزه^(۵)، هتتر^(۶)، گرادمان^(۷)، زیگر^(۸) و ویبل^(۹) معانی مختلفی به اصطلاح چشم انداز و اجزاء آن داده اند ولی ویبل معانی مختلف چشم انداز را طبقه بندی نمود (فشارکی، ۱۳۶۶، ۱۲).

ویبل معنی عمومی چشم انداز را به این صورت تعریف می کند: "آن قسمت از سطح زمین و آسمان بالای سر که در میدان دید ما قرار دارد به نحوی که از یک نقطه مخصوص از دور دیده می شود" (همان منبع ۱۳۶۶، ۱۲).

۱- Hommeyer ۲-Humboldt ۳-oppel ۴- Wimmer ۵- Banse ۶- Hettner
۷- Gradmann ۸- Sieger ۹- Waibel

بروک^(۱) نتیجه می گیرد که ما در زمان کنونی در جغرافیا دو معنی متمایز برای کلمه "چشم انداز" داریم یک معنی از اشاره ضمنی عمومی کلمه مشتق می شود: "چشم انداز مرکب است از جنبه های قابل مشاهده هر قسمت از سطح زمین بطور قراردادی، اما به معنایی وسیعتر از آنچه استعمال عمومی کلمه می رساند". معنی دیگر آن چنین است: "ناحیه ای که در مورفولوژی آن تجانس معینی به چشم می خورد" (همان منبع، ۱۳۶۶، ۱۴). در قرون وسطی در انگلستان این واژه به سرزمینی اطلاق می شد که تحت سیطره یک لرد انگلیسی قرار داشته یا به عنوان سکونتگاه گروهی از مردم اطلاق می گشت. در قرن ۱۷ تحت تأثیر نقاشان منظره^(۲) در آلمان این مفهوم اشاره به ناحیه ای داشته که بیانگر دور نما یا منظر بوده است (Johnston، ۱۹۹۴، ۳۱۶).

نقاشان از آن به عنوان کلمه ای برای یک ژانر یا سبک خاصی از نقاشی استفاده می کردند. این کلمه به تدریج در سایر فنون هنری نیز مورد استفاده قرار گرفت چنانچه به یک سخن، چشم انداز از نظر عکاسی ناحیه ای محصور شده در یک افق می باشد (Vanvelse, ۲۰۰۳) به تدریج این کلمه در سایر علوم نیز مورد بررسی قرار گرفت.

چشم انداز، به مفهوم فضایی است از اشکال طبیعی و فرهنگی که آثار انسانی را در محیط خود و در طول زمان نشان می‌دهد (شکوئی، ۱۳۶۷، ۵۸).

۵. تعاریف چشم انداز

مفهوم چشم انداز در جغرافیا از دیدگاه‌های مختلف، تعاریف متفاوتی یافته است تا بتواند در بهینه سازی تعریف و تبیین روابط انسان و محیط مؤثرتر عمل نماید.

۱-Broek

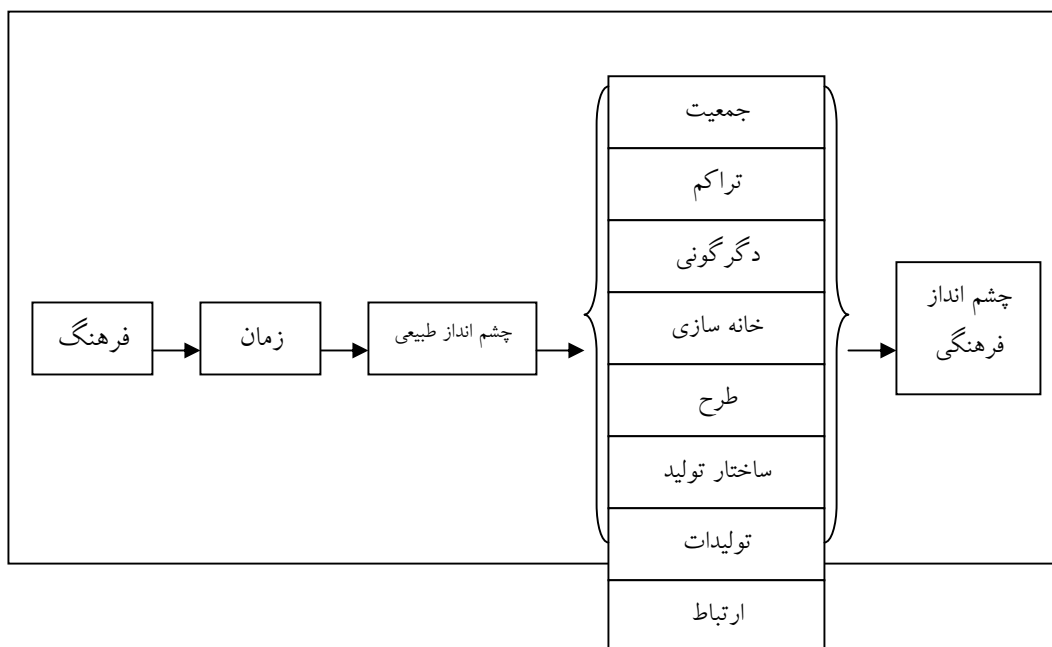
۲- Land schap painters

اساساً مفهوم چشم انداز با این دیدگاه وارد ادبیات جغرافیایی شد که نقش انسان را در شکل دهی به محیط طبیعی نشان دهد و تغییرات چشم انداز طبیعی را بر چشم انداز فرهنگی به نمایش گذارد. از این رو در مورفولوژی چشم انداز واقعیت‌های عینی قابل مشاهده در زمینه چهره سکونتگاهها، واحدهای مسکونی پوشش گیاهی، تأثیرات آب و هوایی و ... تأکید بیشتری را می‌طلبد. تفکری که بعدها اساس کار مکتب جغرافیای فرهنگی "برکلی" را تشکیل داد. کارل ساور با طرح مورفولوژی چشم انداز، انسان را آخرین عامل شکل یابی چشم اندازها محسوب کرد. زیرا بستر طبیعی را از چشم اندازهای جغرافیایی حذف نمی‌کرد و این پارادایم یک بخش جوهری در فلسفه امکان‌گرایی بود (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۸۰ - ۱۷۷).

در این راستا وی مدلی را از چشم انداز فرهنگی ارائه داد: چشم انداز فرهنگی توسط یک گروه فرهنگی بر چشم انداز طبیعی بنا نهاده شده است. فرهنگ عامل است، ناحیه طبیعی واسطه و چشم انداز فرهنگی نتیجه آن می‌باشد تحت تأثیر یک دستاورد فرهنگی

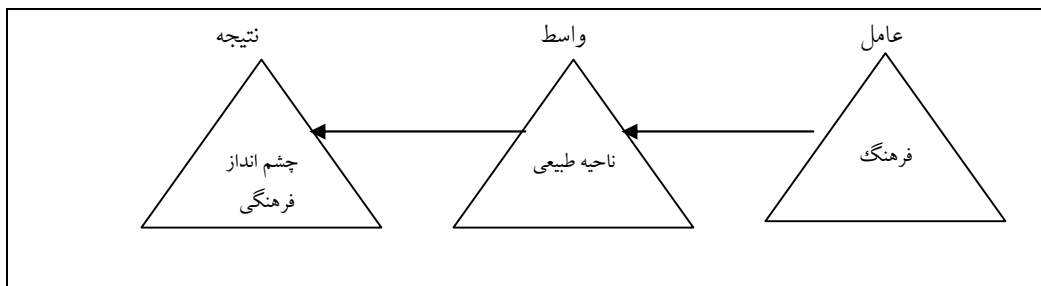
چشم انداز از طریق زمان تغییر یافته، چشم انداز توسعه را از طریق گذراندن دوره هایی تجربه می کند و چرخه توسعه خویش را به پایان می رساند (شکل شماره ۲۱) (Johnston، ۱۹۹۸، ۱۱۴).

شکل ۱. چشم انداز طبیعی و چشم انداز فرهنگی (از کارل ساور، ۱۹۲۵)



مأخذ: (Johnston، ۱۹۹۸)

شکل ۲. مدلی از چشم انداز فرهنگی



مأخذ: اقتباس از مدل چشم انداز فرهنگی ساور (Johnston و ۱۹۸۸)

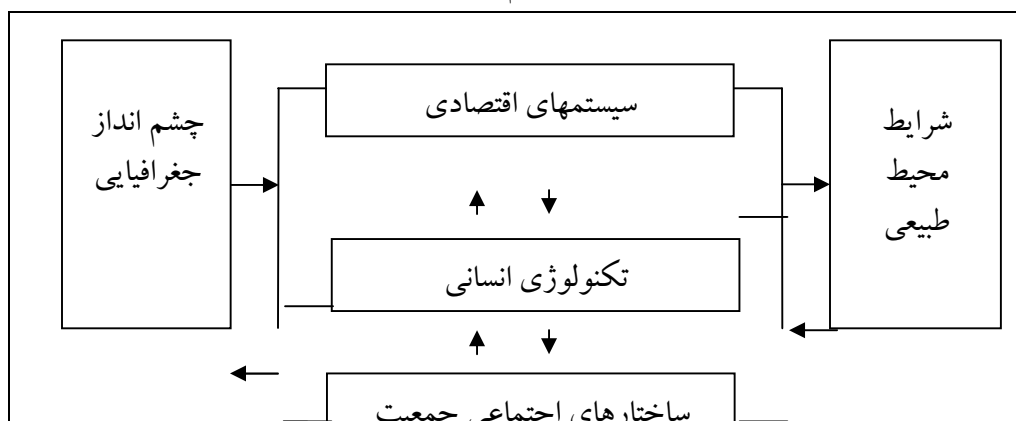
ساور در این میان به یک چهارچوب تاریخی و توجه به زمان جهت مطالعه کیفیت تسلط گروههای فرهنگی بر بستر طبیعی و شرایط آن نیز تأکید می نمود.

کاسگرو و دانیل معتقدند که یک چشم انداز، تصویری فرهنگی و روشی تصویری برای تعریف و سازمان بخشیدن یا نمادینه کردن محیط پیرامون می باشند. آنها می توانند توسط عناصر یا سطح متفاوتی قابل بیان باشند مانند نقاشی روی بوم، نوشته‌ای روی کاغذ، در زمین، سنگ، آب و گیاهان روی زمین (Armstrong، ۱۹۹۹، ۸).

پیتر هاگت نیز عقیده دارد جغرافیا نسبت به تأکید مشهود واقعیات ذهنی، اجتماعی و فنی (فرهنگ) در سطح زمین توجه و علاقه خاصی نشان می دهد. مثلاً در نواحی روستایی به الگوی مزارع، اراضی، راهها و ... توجه ویژه شده و گروههای فرهنگی مختلف برای استقرار در زمین و تثبیت مرزها، شیوه های مختلفی بکار گرفته اند به طوریکه تناقضات بارز در چشم انداز فرهنگی کاملاً مشهود است (هاگت، ۱۳۷۵، ۲۱).

حسین شکویی با در نظر گرفتن مفهوم کلی نگرى جغرافیایی و مفهوم اصلی جغرافیا (روابط انسان و محیط)، چشم انداز جغرافیایی را چنین تعريف می کند: هر چشم انداز جغرافیایی بازتابی از روابط متقابل میان شرایط محیط طبیعی، سیستمهای اقتصادی، تکنولوژی انسانی و ساختارهای اجتماعی جمعیت می باشد. (شکوئی، ۱۳۶۶، ۳۹).

شکل ۳. چشم انداز جغرافیایی



مأخذ: اقتباس از تعريف چشم انداز جغرافیایی سکویی (سکویی، ۱۳۶۶، ۳۹).

۶. روشهای نگرش بر چشم اندازها

در جغرافیای چشم انداز این موارد مطرح می شود که چه چیزی می تواند قابل مشاهده باشد؟ روی چه پدیده هایی تأکید بیشتری صورت گیرد؟ چه چیزهایی در چشم اندازها تغییر می یابد و چه چیزهایی در آنها به آرامی دگرگون می گردد؟

برای توجه به این موارد سه مفهوم در تحلیلهای چشم انداز وابسته به هم عمل می کنند:

- ۱- مشاهده کردن ۲- اندیشیدن ۳- تشریح کردن (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۸۵). در برخورد با مفهوم چشم انداز غالباً از دو روش استفاده می شود:

۱- مورفولوژی تکوینی: مورفولوژی تکوینی در جغرافیای طبیعی، فرهنگی و تاریخی که همگی جامعیت چشم انداز را شکل می دهند بکار گرفته می شود. در این روش فرایند تغییر و تکامل در جامعیت چشم انداز مورد تأکید است.

۲- روش تسلط و باز بینی شخصی: در این روش، نقاش، عکاس و شاعر دنیای بیرون را ترسیم می کند و سعی می نماید که زیباترین پدیده های طبیعت و محیط مطرح شود. روشن است که در این روش، روانشناسی فردی، عامل عمده به شمار می آید. البته این روش را گاهی جغرافیدانان نیز بکار می برند که نقش زیبایی در آثار الکساندر فن همبالت از آن جمله است.

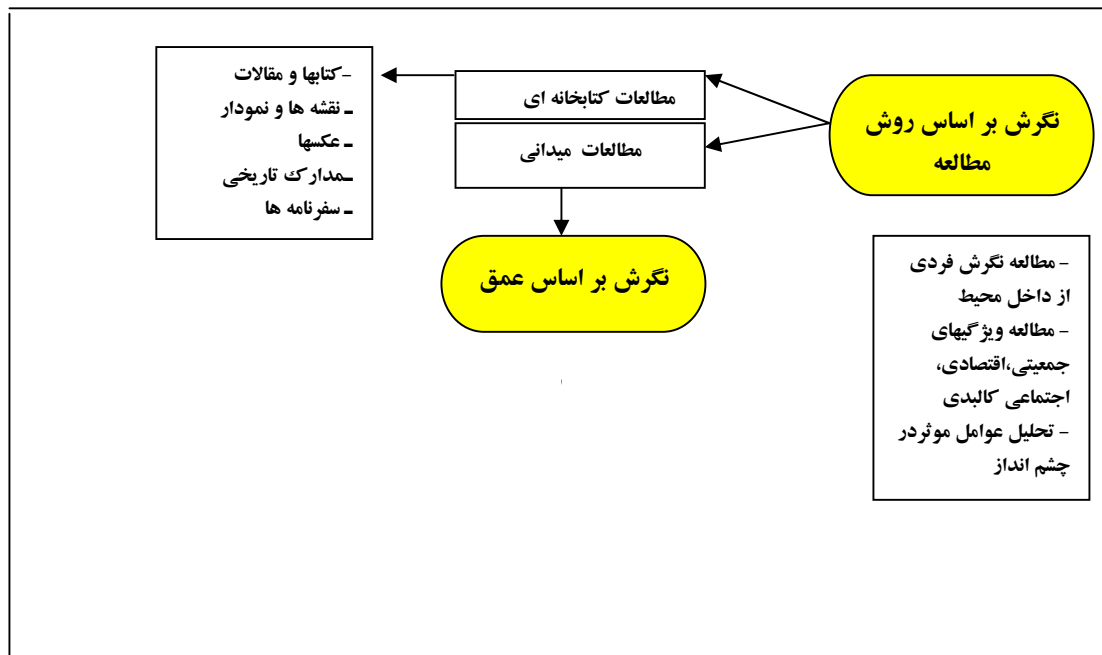
امروزه اغلب جغرافیدانان، در تحلیل چشم اندازها، تنها روی آثار طبیعی و انسانساخت (روستا، شهر، مزارع و ...) بسنده نمی کنند بلکه در زمینه نظام ارزشی و شیوه زندگی جامعه نیز مطالعات عمیقی انجام می دهند. برخی جغرافیدانان روی چشم اندازهای ویژه مانند، نواحی کوهستانی تأکید می کنند عده ای به مطالعه تطبیقی تضادها و تشابهات که حاصل شیوه نگرش فرهنگی متفاوت می باشد تمایل بیشتری نشان می دهند و برخی نیز به شیوه نگرش چشم انداز در هنر و ادبیات علاقمندند. به طور کلی دیدگاه کل نگر اساس مطالعه چشم انداز را تشکیل می دهد (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۸۴-۱۸۳).

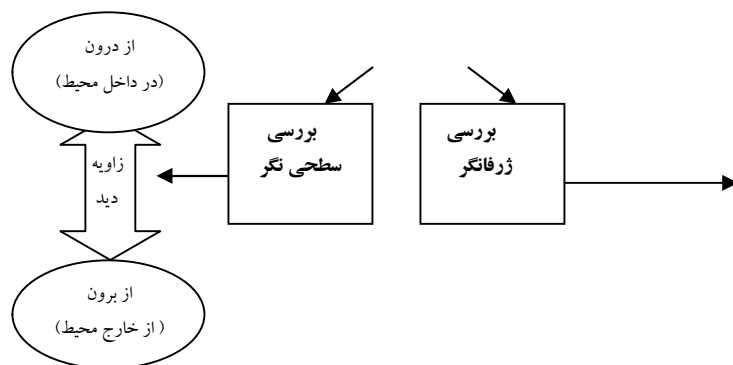
از سویی بر اساس جمع بندی از تعاریف و تبیین چشم اندازها می توان دو روش را در این نگرشها تشخیص داد که از دیدگاه فرد مشاهده کننده به دیدگاه سطحی نگر و ژرفانگر به چشم انداز تقسیم می شود. نگرش سطحی نگر کلیتی ساده از چشم اندازها را مد نظر قرار داده و می تواند دیدگاه غیرجغرافیایی نیز باشد مانند توریستها، هنرمندان و... اما نگرش ژرفانگر علاوه بر استفاده از دید سطحی نگر به روند شکل گیری و بررسی زیرساختی

اطلاعاتی مناسب با استفاده از نوشته‌ها، اسناد و مدارک، عکسها، نقشه‌ها و نمودارها و حتی کتب ادبی و هنری یک منطقه یا ناحیه به جستجوی عوامل مؤثر در شکل‌گیری عناصر موجود پرداخته و این بررسی را با مشاهدات میدانی، مصاحبه و پرسشنامه تکامل می‌بخشد (مولائی هاشجین و رودباری، ۱۳۸۴، ۴۵).

ترکیب دیدگاههای سطحی‌نگر و ژرفانگر در مطالعه چشم‌اندازهای جغرافیایی به شناخت دقیق چشم‌اندازها و عوامل و عناصر هر کدام در نواحی مختلف جغرافیایی کمک می‌نماید و از طریق این شناخت ضمن تبیین موضوع به ارائه چشم‌انداز جغرافیایی مطلوب (روابط محیط و انسان با تمام ویژگی‌ها و خصیصه‌های قابل طرح و بررسی) در راستای توسعه پایدار منجر می‌شود (شکل شماره ۴). این شناخت در صورتی در توسعه پایدار نقش خواهد داشت که بتواند با توصیف کامل و عمیق یک فضا و ارائه توانائیه‌ها، کاستیها و نیازها در راستای تحقق اهداف توسعه به جذب برنامه‌های متناسب با نیازها و حل مشکلات پردازد.

شکل ۴. روند نگرش در چشم‌انداز فرهنگی





مأخذ: اقتباس از رودباری (رودباری، ۱۳۸۴، ۲۲).

۷. انواع چشم انداز

با توجه به تعاریف چشم انداز این سوال مطرح است که آیا چشم انداز جغرافیایی می تواند به زیر مجموعه ها و زیر بخشهایی تقسیم شود یا از ابعاد مختلفی مورد نظر قرار گیرد تا بتواند در برگیرنده نگرش جامع بر فضاهای جغرافیایی بوده و در راستای جغرافیای کاربردی مطرح گردد؟ آیا در چشم اندازها، عناصر انسانی و طبیعی در وجوه مختلف از ابتدا با یکدیگر و در هم تنیده در نظر گرفته شوند یا آنها را تفکیک نموده و در تحلیل روابط با هم ادغام نمود؟ استفاده از تعاریف مختلفی که از چشم انداز مطرح گردیده است می تواند به روشن تر شدن مرز انواع چشم اندازها بیانجامد:

۷-۱. چشم انداز طبیعی:^(۱)

خصوصیات طبیعی به جنبه های طبیعی مربوط به یک محل، از جمله اقلیم، خاک، منابع و ذخایر معدنی و سیماهای سرزمین و نظایر آن توجه دارند. این خصوصیات مربوط به چشم انداز طبیعی محل یا قرارگاهی را فراهم می کند که در داخل آن، عملکردهای انسانی اتفاق می افتند. این چشم اندازهای طبیعی در شکل یابی زندگی انسانی کمک می کنند و

جنبه آمرانه ندارند. به عنوان مثال منابع طبیعی مختلف در هر ناحیه جغرافیایی ممکن است در حد کم یا زیادی وجود داشته باشند که تحت مدیریت و شیوه های بهره برداری توسط جوامع با فرهنگهای متفاوت قرار می گیرند. بنابراین تأثیر گذاری عوامل فرهنگی و انسانی روی چشم اندازه های طبیعی غیر قابل انکار می باشد (بهفروز، ۱۳۷۴، ۱۴ - ۱۳).

ساور نیز عقیده دارد که مورفولوژی طبیعی از عوامل سازنده فرمها، زمان و پیوند عوامل علی به وجود می آید. در واقع مورفولوژی طبیعی به منزله بستر مورفولوژی جغرافیایی به شمار می آید که در شکل دهی نقش دارد (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۷۹). بنابراین چشم انداز طبیعی مجموعه ای از عناصر طبیعی محسوب می شوند که بر حسب میزان دخالت انسان و تأثیر گذاری بر آنها در نواحی مختلف بصورت متنوع ملاحظه می شود و این چشم انداز در معرض تحول و دگرگونی از طریق دخالت انسان و ارتباط با آن قرار دارد و هر چه دخالت انسان در این چشم انداز کمتر باشد دوام آن بیشتر و در غیر این صورت چشم انداز طبیعی از بین خواهند رفت.

۷-۲. چشم انداز فرهنگی^(۲)

چشم انداز فرهنگی اغلب محصول اعمال انسانها در طی قرون متمادی است و بیانگر

۱- Natural landscape

۲-Cultural Landscape

این نکته است که آنچه در حال حاضر از چشم انداز رویت می شود حکایت از نیروها و شرایط علی دارد که اکنون وجود ندارند و ابزار ارزشمندی جهت بررسی توالی سکونت گروههای گوناگون در یک سکونتگاه تلقی می شوند. تمامی قسمت های چشم انداز فرهنگی

بیانگر نحوه کنش متقابل فرهنگ با محیط طبیعی آنها در گذشته است (جردن، ۱۳۸۰، ۴۳ - ۴۲).

در جغرافیا، چشم انداز فرهنگی به همراه فعالیتهای انسانی اطلاق می‌شود که انسان به وسیله آن چهره زمین و محیط را در جهت ادامه حیات تغییر می‌دهد. اگر چه ساور، عقیده دارد که فرهنگ در اینجا فقط به منظور عقاید نیست. بلکه در چشم اندازها بیشتر روی آثار انسانی، فرمهای شهری و روستایی، تراکم، فرمهای تولید، نوع کاربری زمین، مزارع، معادن و ... تأکید می‌کنیم. در اینجا فرهنگ عامل تغییر تلقی می‌شود (شکوئی ۱۳۷۵، ۱۷۹).

در جغرافیای فرهنگی خصوصاً در مکتب بر کلی به صورت آشکار به رابطه بین فرهنگهای ایستای محلی با محیط فیزیکی پیرامون آنها اختصاص یافته است (۱۹۹۸، ۷۷۶، Johnston).

چشم اندازها در طول زمان تغییر پذیر و قابل توصیفند. برخی از ابعاد چشم انداز ممکن است بخش مسلمی از زندگی روزمره به حساب آید یا از لحاظ سیاسی مورد بحث قرار گیرد (قرخلو، ۱۳۸۳، ۵۹ - ۴۲).

اما امروزه در جغرافیای فرهنگی نو چشم انداز از زوایای مختلفی دیگری نیز مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- چشم انداز به منزله تداوم قدرت مسلط و کارکرد اجتماعی قدرت، شکلی از یک نظم اجتماعی، بررسی ایدئولوژی حاکم، باز - تولید کار و سرمایه در مکان، باز نمایی مکان در گذشته، تحلیل فرهنگی، افتراق جنسیت، یک متن - هر منوتیکی (که چشم اندازها را عامل قدرت و ایدئولوژی سیاسی - اجتماعی و اقتصادی شکل می‌دهند) در این نظریه‌ها، در

مطالعه چشم‌اندازها هندسه قدرت را بیش از هر عامل دیگری مؤثر می‌داند (شکویی، ۱۳۸۲، ۲۱۰ - ۲۰۹).

۸. نتیجه‌گیری

– با توجه به هدف اصلی علم جغرافیا در تبیین و تحلیل رابطه متقابل با محیط، از دیدگاه‌های مختلف و بر اساس مکاتب فکری می‌توان به طرح مفاهیمی پرداخت تا بتواند جغرافیدان را در تحقق بهینه این هدف یاری نماید. لذا استفاده از نگرش‌هایی همچون چشم‌انداز می‌تواند در دستیابی به این مهم نقش مؤثری داشته باشد مسلماً استفاده از چنین دیدگاه‌هایی در بیان و تحلیل فضاهای جغرافیایی، نیز در جهت رسیدن به جغرافیای کاربردی که خود در راستای توسعه و خدمت به جوامع انسانی گام بر می‌دارد نیازمند شناخت مفاهیم، پیشینه فرهنگی، تاریخی، علمی و بیان نگرش‌ها و تعاریف می‌باشد.

– از آنجائیکه فضای حاصل از کنش متقابل نیروهای گوناگون طبیعی، انسانی در یک بافت معین چشم‌انداز جغرافیایی نامیده می‌شود (سعیدی، ۱۳۷۸، ۹). مطالعه صحیح چشم‌انداز می‌تواند نکات زیادی را به مشاهده‌کننده بیاموزد، این نکات مشتمل بر جنبه‌های گوناگون و غیر قابل رؤیت فرهنگ گذشته‌های فراموش شده، انتخاب‌های انجام شده و تغییراتی است که توسط انسان در محیط ایجاد شده است. چشم‌انداز در برگیرنده شواهد ارزشمندی در مورد منشأ، بسط و توسعه فرهنگها نیز می‌باشد. (تولایی، ۱۳۸۰، ۳۹).

– با توجه به مباحث طرح شده می‌توان دریافت که با وجود نقدهایی که بر مکتب چشم‌انداز شده و آن را از جنبه عدم توفیق در تحلیل کامل عوامل مؤثر در تکوین چشم‌اندازها و تحلیل‌گذار چشم‌انداز طبیعی به چشم‌انداز فرهنگی، ضعیف تلقی نموده‌اند با اینهمه به نظر می‌رسد با تکامل بخشیدن به تحلیل نگرش و توجه به عوامل مؤثر در چشم‌اندازها و تبیین عناصر موجود و قابل رؤیت در آن و نیز زیرساخت‌های مؤثر در

ساخت این عناصر (فرمها و فرآیندها) می توان فضاهای جغرافیایی را در راستای بهینه سازی و توسعه پایدار جوامع مورد تبیین، شناخت و مطالعه قرار داد و یک چشم انداز جغرافیایی مطلوب را ترسیم کرد.

– با لحاظ مفهوم، تعریف و تقسیمات چشم انداز و با در نظر گرفتن دیدگاههای مختلف جغرافیایی در تحلیل موضوعات متنوع و گوناگون در سطح کره زمین از یک طرف و رسالت و وظیفه جغرافیا و جغرافیدانان در تأمین رفاه و بهروزی انسان ها از سوی دیگر سرزمین آرای با توجه به توانهای محیطی هر منطقه و ناحیه جغرافیایی و نیز توانهای انسانی (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی) در قالب خلق چشم اندازهای جغرافیایی مطلوب و بهینه از طریق ایجاد ارتباط منطقی بین عوامل طبیعی و انسانی و تلاش برای بهبود این چشم اندازها در طول زمان و متناسب با تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مقیاس جهانی، ملی و ناحیه ای و حتی محلی امری مهم و ضروری می نماید.

– چشم اندازها مجموعه ای از اشکال و عوارض زمین را در طول زمان نشان می دهند (کرننگ، ۱۳۸۲، ۲۵۱) به نظر می رسد که تغییر و تحول در نوع نگرش به پدیده های جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی در راستای دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار در قالب چشم انداز جغرافیایی کمک شایانی به تعادل جهانی، منطقه ای، ملی، ناحیه ای و حتی محلی و انجام رسالت درست جغرافیدانان خواهد نمود.

– چشم انداز جغرافیایی مطلوب یعنی پیامد برنامه ریزی توسعه پایدار که در آن قابلیت ها و مزیت های نسبی هر سرزمین در کنار محدودیت ها و تنگناها و مسایل اساسی دیده می شود و بر این اساس اهداف بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت همراه راهبردها، سیاست های اجرایی و راهکارها و در نهایت اقدامات اولویت دار در طول زمان جهت رسیدن به چشم انداز جغرافیایی مطلوب مشخص می شوند.

۹. سیاستگذاری:

بدین وسیله از سرکار خانم سیده مرضیه رودباری کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی که در تهیه برخی منابع و تدوین مقاله حاضر کمک فراوان نمودند تشکر و قدردانی می نمایم.

۱۰. منابع:

- ۱- بهفروز، فاطمه - ۱۳۷۴- زمینه های غالب در جغرافیای انسانی - انتشارات دانشگاه تهران - تهران.
- ۲- جردن، تری، ج و لستروانتری - ۱۳۸۰ - مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی - ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی - نشر پژوهشگاه هنر و ارتباطات.
- ۳- رودباری، سیده مرضیه - ۱۳۸۳ - مطالعه تطبیقی چشم اندازهای فرهنگی در روستاهای کوهستانی و جلگه ای - استاد راهنما: دکتر نصرالله مولائی هاشجین - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رشت - گروه جغرافیا.
- ۴- سعیدی، عباس - ۱۳۷۷ مبانی جغرافیای روستایی - انتشارات سمت - تهران.
- ۵- شکوئی، حسین - ۱۳۶۶ - نقد و بررسی کتاب و مقاله - مجله رشد آموزش جغرافیا - شماره ۱۱. نشریه گروه جغرافیا دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- ۶- شکوئی، حسین - ۱۳۶۷ - نقد و بررسی کتاب و مقاله - مجله رشد آموزش جغرافیا شماره ۱۳ - نشریه گروه جغرافیا دفتر فنی تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- ۷- شکوئی، حسین - ۱۳۷۵ - اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا - جلد اول - انتشارات گیتاشناسی - تهران.
- ۸- شکوئی، حسین - ۱۳۸۲ - اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا (جلد دوم) - فلسفه های محیطی و مکتبهای جغرافیایی - انتشارات گیتاشناسی - تهران.
- ۹- فرید، یدالله - سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی - انتشارات دانشگاه تبریز - تبریز.
- ۱۰- فشارکی، پریدخت - ۱۳۶۶- تعاریف و مفاهیم چشم انداز جغرافیایی (ترجمه و تنظیم) - مجله رشد آموزش جغرافیا - شماره ۹ - نشریه گروه جغرافیا دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۱- فنی، زهره - ۱۳۸۱- مقدمه ای بر تاریخ علم جغرافیا - انتشارات امیرکبیر- تهران.

۱۲- کَرنگ، مایک - ۱۳۸۳ - جغرافیای فرهنگی - ترجمه مهدی فرخلو- انتشارات سمت - تهران.

۱۳ - مولائی هنجین، نصرالله و رودباری، سیده مرضیه - ۱۳۸۴ - بررسی تطبیقی چشم انداز های فرهنگی روستاهای جلگه ای و کوهستانی (مطالعه موردی: شهرستان رودسر) - فصلنامه علمی - پژوهشی سرزمین - سال دوم - شماره ۷ - گروه جغرافیا - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

۱۴- هاگت، پیتر- ۱۳۷۵ - جغرافیا ترکیبی نو (جلد دوم) - ترجمه شاپور گودرزی نژاد - انتشارات سمت - تهران.

۱۵- (WWW) Armstrong, Helen- ۲۰۰۱-Embracing Cultural diversity Australia.

۱۶- (WWW) Birnbaum, Charles- ۱۹۹۹-Protecting Cultrural Landscape.

۱۷- Johnston, Ronald & Derek Gregory & David M.Smith- ۱۹۸۸ – The Dictionaey of Human Geography- Blackwell - UK.

۱۸- (WWW) Petrarca European Acadamy for The Cultrural Landscape- ۲۰۰۲.

۱۹- (WWW) Van Velzen, wim- ۲۰۰۳ –Wim Van Velzen Photography.